

به جای سر مقاله تعدی به حریم سردبیر

«فقط به نویسندگان نو قلم»

مقالات شماره صفحه ندارند و دوستان با علم غیب آنرا پس از چند بار دست به دست شدن مرتب می کنند. گاه مقاله فاقد نام مؤلف یا مترجم است و از همه بدتر، گاه غلطهای املائی دارد. از این نظر، یک بار هم بنده از همه دوستان و عزیزانی که «رشد آموزش جغرافیا» را مورد محبت قرار می دهند، درخواست می کنم:

● پیش از ارسال مقاله، یک بار آنرا مرور و ایرادات احتمالی را رفع کنند. مقاله ای که خود

نویسنده یک بار نمی خواند چطور بقیه بخوانند.

● مقالات بیش از ۱۲ صفحه تایی به داوری ارسال نمی شوند. بنابراین مقالات کم حجم از اولویت بیشتری برخوردارند.

● عکس ها، نقشه ها و نمودارها را حتماً روی سی دی ضمیمه فرمایند.

● مقالات آموزش جغرافیا، یعنی مقالاتی که به مسائل آموزشی و چگونگی انتقال مفاهیم جغرافیایی و روش های تدریس جغرافیا اختصاص دارد، خارج از نوبت چاپ می شوند.

● مقالات همکاران فرهنگی (دبیران جغرافیا) از اولویت بیشتری برخوردارند.

● حتماً در صفحه اول مقالاتی که ارسال می کنید، نام، نام خانوادگی و آدرس پستی به همراه کد پستی ۱۰ رقمی، تلفن تماس، شماره حساب بانکی (ترجیحاً بانک تجارت) را قید فرمایید.

به طور طبیعی قبل از ارسال مقالات برای داوری، این نکات به عنوان ملاکی برای انتخاب اولیه به حساب می آیند و فقدان آن ها ممکن است مقالات را از جریان داوری دور بدارد.

ملاحظه کنید که آخر این سرمقاله براساس پیش بینی پیشینیان مجله، به یک دستورالعمل بی روح و غیر قابل انعطاف تبدیل شد. اما قطعاً، هم برای ما و هم برای شما، رعایت مفاد آن سودمند خواهد بود. باور کنید.

مدیر داخلی

در سال های اخیر که به عنوان مدیر داخلی مجله تلاش می کردم وظایفم را به نحو احسن انجام دهم، بارها و بارها پیش آمد که زبانی برای تشکر از سردبیر محترم مجله بیابم و در قبال حسن ظن ایشان، حداقل کاری که می توانستم بکنم، این بود که مجله را به نحو شایسته ای از کار بیرون بیاوریم. چند بار دور خیز کردم که سرمقاله ای بنویسم و از این طریق جبران زحمات ایشان را کنم، اما هر بار یاد مدیر داخلی قدیمی مجله، مرحوم شیخ اسلامی می افتادم که به من یادآور می کردند تو قلم سختی داری که به درد نوشتن مطالب سبک نمی خورد.»

خدا رحمتش کند، درست می گفت. در ابتدای هر نوشته، هر چه تلاش می کردم به نرمی و خلق خوش نوشته ای را آغاز کنم، در انتها متن ثقیل و سنگین از آب درمی آمد. به این خاطر، زحمت نگارش سرمقالات برعهده دکتر شایان، سردبیر محترم مجله می افتد. اما این بار دیگر نتوانستم جلوی غلبان احساساتم را بگیرم و تصمیم گرفتم برای یک بار هم که شده، با دوستان، عزیزان، همکاران و نویسندگان محترم مقالات درددلی بکنم.

نمی دانم در دانشگاه ها چه اتفاقی افتاده و یامی افتد. کم کاری در بین نیست، چون استادان همکار مجله فرصت سرخارندن هم ندارند. پس چگونه است یک مقاله وقتی به دفتر مجله می رسد، تا جاری شدن اشک همه چندان فاصله ای باقی نمی ماند؟! شاید باور نکنید، مقاله به دفتر مجله می رسد که عنوان ندارد. حتی بعضی